

خاک ما واقع شده است. اما اگر ما با همین مفاهیم داخلی که داریم و با همین صلاحیتی که داریم هم رسیدگی کنیم، خیلی نباید خوشبین باشیم که کار مهمی کردیم، چون به متهمان دسترسی نداریم که بخواهیم یک رسیدگی در حضور آنها انجام دهیم. درست است که دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک می‌گوید ماده ۴۰۶ را داریم و رسیدگی غیابی می‌کنیم اما رسیدگی غیابی در حقوق بین‌الملل وجاهتی ندارد. در حقوق داخلی هم حداکثر فایده اش این است که قوه قضائیه با حکم حاصل از این رسیدگی را قاب می‌کند و در تالار افتخاراتش می‌گذارد. برای محاکمه حتی اگر بخواهیم نسبت به این متهمان، در صورت اطلاع از اینکه در کشور خودشان نیستند، دست به کار شویم و از استرداد استفاده کنیم و آنها را به کشور خودمان بکشانیم تا محاکمه کنیم، اینها که نمی‌آیند. اینجاست که آن عنصر سوم یعنی معاضدت (همکاری قضایی) یا همان استرداد به کار می‌آید که متأسفانه ما در این زمینه هم با مشکلاتی مواجه هستیم.

در زمینه استرداد، چون با بسیاری از کشورها معاهده استرداد نداریم، راحت نمی‌توانیم استرداد را بخواهیم. پادمان ترفته که از روی بی‌اطلاعی می‌گفتند کانادا همکاری نمی‌کند با ما و الا اگر همکاری می‌کرد، ما بچه‌های ناجا را می‌فرستادیم آنجا. مگر می‌شود؟ مگر بدون معاهده می‌شود؟ اصلاً معاهده استرداد و اصلاً همکاری قضایی باید مسبوق به همکاری سیاسی باشد.

علاوه بر این، الان کشورهایی که مجازات اعدام را ندارند، چنانچه متهمی را که ما می‌خواهیم محاکمه کنیم، در قوانین خودمان برایش مجازات اعدام داشته باشیم، آن را به ما مسترد نمی‌کنند (حتی اگر با موافقت‌نامه داشته باشند). چون می‌گویند ما اگر مجازاتی را قبول نداریم، به اجرای آن مجازات کمک‌هم نمی‌کنیم.

الان در بسیاری از کشورها پذیرفته شده که متهم باید در دادرسی متصفانه از یکسری حقوقی برخوردار باشد که مهمترین آنها حق دفاع است. مثلاً ما با فرانسه اتفاقاً معاهده استرداد داریم، پس مشکل معاهده نداریم. اما اگر کسانی را که می‌خواهیم محاکمه کنیم به این کشور رفته باشند، بخواهیم از طریق همین معاهده استرداد آنها را صورت دهیم، به استناد همین ماده تبصره در قانون آیین دادرسی کیفری، کافی است وکیل متهم، تر ترجمه ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری [ایران] را بگذارد روی میز که از استرداد خودداری کند. همین تبصره ماده ۴۸ هم به تنهایی کافی است برای اینکه قاضی فرانسوی نتیجه بگیرد که حقوق دفاعی متهم به نحو مطلوب در دادگاه‌های ایران تأمین و تضمین نمی‌شود و از استرداد خودداری کند. اینجاست که خیلی مهم است ما وقتی که قوانین خودمان را دستکاری می‌کنیم، به تبعات بین‌المللی هم توجه کنیم.

در سطح خار جی چطور؟ محاکم ملی خار جی می‌توانند اینجا به داد ما برسند؟ آن افرادی که متهم هستند، هیچ وقت ایران نمی‌آیند. ولی جاهای دیگر ممکن است بروند. آیا ممکن است کشور دیگری بر اساس قوانین خودش و به کمک دادگاه‌های خودش، این متهمان جنایات ارتكابی در کشور ما را محاکمه کند؟ حقوق بین‌الملل یک پاسخ مثبت در این زمینه در اختیار کشورها قرار داده و آن، مجهز شدن به «صلاحیت جهانی» است که این صلاحیت را همه کشورها دارند. صلاحیت جهانی یعنی صلاحیت یک کشور برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی. در واقع، آنها نه به نفع ما، نه به نفع خودشان، نه به نفع قربانیان، بلکه به نفع نظم عمومی بین‌المللی، به نفع ساختارهای نظام بین‌المللی فعالیت می‌کنند و دست به محاکمه و مجازات می‌زنند. اما در روش عادی امور، این اصل، اعمالش در دست کشوری است که متهم را در اختیار دارد. یعنی شرط استفاده از این صلاحیت این است که متهم در آن کشور باشد.

اما مشکل عملی محدود به اینجا نمی‌شود. صلاحیت جهانی، سیاسی‌ترین صلاحیت پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل است. چرا؟ چون می‌خواهند کسی را محاکمه کنند که متهم به جنایات بین‌المللی است و جنایات بین‌المللی توسط افراد عادی معمولاً ارتكاب پیدا نمی‌کند. جنایات بین‌المللی توسط یا با حمایت قوی حاکمان رخ می‌دهد. کشورها می‌دانند وقتی که صلاحیت جهانی را نسبت به این جنایات بخواهند اعمال کنند، سر و کارشان از لحاظ دیپلماسی با کشور متبوع آن متهم است. آیا حاضرند هزینه کند برای اینکه به چنین کاری دست بزنند؟ بعید است.

مانع دیگر یا چالش دیگری که با آن مواجه هستند، مصونیت دیپلماتیک یا بهتر بگوییم مصونیت سران است. در هیچ کنوانسیون نوشته نشده، ولی عرف بین‌المللی است که این افراد را نمی‌شود محاکمه کرد. خوشبختانه حقوق بین‌الملل اتقدر پیشرفت کرده که مصونیت سران را در دیوان کیفری بین‌المللی حذف کند و نشناسد. اما این مصونیت همچنان در برابر محاکم داخلی باقی است.

اگر اینها در انتخابات بعدی نبودند، کنار گذاشته شدند، دولت دیگری آمد و دیگر سمت نداشتند، بعدش چه؟ درباره آن دسته از جنایات یا جرائمی که در ارتباط با انجام وظیفه‌شان نبوده است، مصونیت ندارد. اما در مورد جرائمی که در راستای انجام وظایفشان انجام دادند، همچنان مصونیت دارند. خوب اگر این را تفکیک کنیم، جنایات بین‌المللی ارتكابی در کدام است؟ به نظر من و به نظر خیلی از صاحب‌نظران، انجام وظایف رسمی نمی‌تواند از رهگذر ارتكاب جنایات بین‌المللی باشد و آنها در این زمینه مصونیت ندارند.

علی خالقی:

ایران شاگرد تبتل کلاس حقوق بین‌الملل است. ایران در زمینه آنچه که باید از حقوق بین‌الملل بگیرد، کوتاهی زیاد دارد.

خیلی دیر به معاهدات می‌پیونديم.نمونه اخيرش کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم است که ما چند روز پیش بعد از انتظار بسیار آن را پذیرفتیم، آن هم با شرط و شروطی که خودمان می‌خواهیم.

پس در زمینه جرم‌انگاری خیلی کوتاهی داریم



سیدحسین سادات میدانی
عضو هیئت علمی دانشکده روابط
وزارت خارجه

عمدتاً در حقوق داخلی مباحث از منظر حقوق کیفری و مسئولیت بین‌المللی کيفری افراد دیده می‌شود. من فکر می‌کنم که ما باید به بُعد دیگر مسئولیت‌هم بپردازیم و آن «مسئولیت بین‌المللی یک‌دولت» است. یعنی در همین حادثه، ما دو پرونده‌ای به ابعاد متفاوت خواهیم داشت: یکی پرونده مسئولیت کیفری افراد (حالا چهام قلمات، چه فرماندهان نظامی) و از آن طرف، مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ذریبط و موجودیت‌های ذریبط.

به‌نظر می‌رسد که یک همپوشانی‌وهم‌کنشی بین دونظام حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی وجود دارد. ضمن اینکه دادرسی‌های ملی از دادرسی‌های بین‌المللی استقلال عمل دارند، ولی آنچه که‌ما مشاهده می‌کنیم در این چنین پرونده‌هایی، هم‌کنشی ناشی از این دو نظام وجود دارد. دادرسی‌های ملی می‌توانند تداوم آن در عرصه بین‌المللی هم‌مطرح‌باشند.

من چهار بُعد را می‌خواستم بررسی کنم:

- از منظر صلاحیتی (یعنی صلاحیت در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل)
- بحث ادله اثبات دعوی در حقوق داخلی و در این چنین پرونده‌ها
- بحث احراز مسئولیت
- و مسئله آخر بحث جبران خسارت

بیشتر مباحثم را به خاطر ضیق وقت روی دو بحث «ادله اثبات دعوی» و بحث «جبران خسارت» با نگاهی به رویه حقوق بین‌الملل خواهم داشت.

در مورد صلاحیت، ما در حقوق بین‌المللی نسبت به حقوق داخلی‌ها در وضعیت پایین‌دست قرار داریم. اصل بر عدم صلاحیت دادگاه بین‌المللی است. مادامی که رضایت‌پیشینی وجود ندارد، هیچ امکانی برای اعمال صلاحیت قضایی وجود ندارد. به همین خاطر، در هر حال در پرونده‌های این‌چنینی، رسیدگی‌های ملی هم ارجح هستند و هم محدودیت‌های صلاحیتی کمتری را دارند.

همیشه این بحث مطرح بوده که چرا ما ظرفیت کافی را نداریم. به عبارت دیگر، یکی از بال‌های حاکمیت‌ما (که قوه قضائیه‌ما هست) به خاطر این خلأ حقوقی به نوعی از کار افتاده و امکان استفاده وجود ندارد. با این حال یکسری قوانین کلی داریم که مثل عصای حضرت موسی معمولاً مورد استفاده قرار می‌گیرند.

بحث مصونیت، بحث بسیار مهمی است. مصونیت مقامات را اشاره کردند ولی بحث مصونیت دولت‌ها مسئله دیگری است. مادر این پرونده‌ها شاید از مشکل کمتری مواجه باشیم. رژیم‌صهیونیستی را اساساً دولت نمی‌دانیم که بخواهیم مصونیت برایشان قائل باشیم. ایالات متحده هم مصونیتش ضایع شده است. به همین خاطر بحث مصونیت را ما در اینجا نداریم.

من بخش دوم را هم راجع به بحث ادله اثبات دعوی صحبت کنم که کمتر راجع به آن صحبت می‌شود. ما معمولاً وقتی بحث می‌کنیم از بحث مستندسازی ملی اساساً صحبت نمی‌کنیم. خیلی کارها ممکن است که مستندسازی باشد و هیچگاه هم راه به دادگاه ملی پیدا نکند. ولی این را ما باید در هر حال در ارتباط با وقایع بین‌المللی همواره داشته باشیم و باید توجه کنیم که در بخش زیادی از دادرسی‌های بین‌المللی، اسناد، دلیل اصلی ادعای کشورها خواهند بود. ولی این نکته حائز اهمیت که اگر سندی در سطح داخلی دارای ارزش اثباتی باشد، این به این معنا نیست که قاضی و دادرس بین‌المللی هم الزاماً همان در جه از ارزش اثباتی را به آن خواهد داشت. دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی معمولاً یک رویکرد محتاطانه‌ای را نسبت به اسناد داخلی دارند. آنچه که ما از آورده‌های دادگاه بین‌المللی می‌بینیم، می‌توانیم بگوییم که اسناد داخلی و احکام قضایی ملی را یک امر موضوعی می‌دانند که نیازمند بررسی مجدد هست. ولی اگر واقعه در یک کشور وقوع پیدا کرده باشد چه کنیم؟ اسناد داخلی بسیار مهم خواهند بود. و در این زمینه ما باید توجه کنیم که به هر حال، حتی هم اگر بخواهیم در بُعد بین‌المللی کاری را انجام بدهیم، نهایتاً آنچه که در محضر قاضی بین‌المللی خواهیم برد، یک سند داخلی است.

فقط دو تا آمار بدهم: بعد از انقلاب اسلامی، ما ۴۰۰۰ پرونده بین‌المللی داشتیم. در حال حاضر در دیوان بین‌المللی دادگستری دولت‌ها، ۲۰ پرونده دارند که پنج پرونده متعلق به جمهوری اسلامی ایران است (حالا چند موردش خواهان و چند موردش هم خواننده). و تعدادی هم پرونده‌هایی که ما هر روز راجع به آنها می‌شنویم. ما کلاً کشور پردعوی بین‌المللی هستیم و در سطح بین‌المللی دعای زیادی هستیم. شاید هم یک دلیلش این است که در سطح ملی به حد کفایت، ما ادعاهای بین‌المللی‌مان را پیگیری نمی‌کنیم و نهایتاً ادعاها از سطح ملی به سطح بین‌المللی ارتقا پیدا می‌کند.

من چند اصل را از رویه قضایی راجع به ادله معتبر می‌خواهم بگویم که اگر احیاناً نهادی ملی یا قوه قضائیه خواستند درگیر باشند، به اینها توجه کنند. اولین نکته‌ای که ما در رویه قضایی بین‌المللی داریم این است که «تاخیر در مستندسازی بر ارزش اثباتی یک سند تأثیر منفی دارد». به هر میزان ما از زمان واقعه فاصله بگیریم، اسناد تولیدشده برای قضات بین‌المللی ارزش اثباتی کمتری دارند. اصل دوم این است که «اسناد تولیدشده خارج از فرآیندهای قانونی، از ارزش اثباتی اساساً برخوردار نیستند». اسناد باید توسط مقامات و نهادهای صالح تولید شده باشد.

شکل سند بسیار مهم است. امضا، تأیید رسمی می‌تواند به ارزش اثباتی یک سند بسیار کمک کند. دادگاه‌های بین‌المللی نسبت به شهادت‌نامه بسیار محتاط بودند و با احتیاط با آنها برخورد می‌کردند. فقط به شهادت‌نامه‌هایی توجه می‌کنند که هم‌زمان با رخداد وقایع

❖ **خسارت‌هایی که باید جبران شود**

باشد و یا در یک فاصله بسیار معقولی از پس از آن تنظیم شده است. ادله مقامات و نهادهای وقتی می‌توانند مورد توجه قرار بگیرد که نهادها‌ی صلاح‌باشند. یک نکته‌ای که بسیار مهم است و در کشور پرگفتار ایران شاید نیاز به توجه دارد: اظهارات مقامات عالیه کشور که برخلاف مواضع حقوقی دولت متبوع باشد، ارزش اثباتی ویژه‌ای در حقوق بین‌الملل خواهد داشت. یعنی اگر یک مقامی به خلاف مواضع کشور نظری را اعلام کند، دادگاه‌های بین‌المللی به این نظر مخالف توجه ویژه خواهند کرد. ما اخیراً در دعوی مشابهی که در دیوان بین‌المللی دادگستری وجود دارد، این مسائل کاملاً مطرح شده است. من توجه حضار را به رای سال ۲۰۲۲ دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی کنگو علیه اوگاندا جلب می‌کنم که در آنجا در بندهای ۱۳۰ تا ۱۴۰، دیوان اشاره کرده چه‌طور اسناد داخلی کشور می‌توانند به عنوان دلیل پذیرفته شوند یا رد بشوند که در این پرونده مشاهده می‌کنیم بخش زیادی از ادله خواهان به دلیل عدم مراعات همین اصولی که خدمت شما عرض کردم، به عنوان دلیل رد شد.

بحث احراز مسئولیت بخش دوم هم هست که حالا من به آن نخواهم پرداخت. فقط دو تا مسئله را من به آن می‌پردازم. آقای دکتر خالقی اشاره کردند (عذر خواهم می‌کنم جسارتاً) رسیدگی غیابی در حال حاضر دیگر ممنوع نیست. مارویه‌هایی را داریم که بر خلاف آن، دادگاه‌های بین‌المللی (حتی در پرونده‌های بین‌المللی و جنایات بین‌المللی) رسیدگی کردند. دادگاه ویژه لبنان این کار را انجام داده است. محاکم ملی بعضاً این کار را انجام داده‌اند. اخیراً دادگاه‌های آرتانین رویه خودشان را تغییر دادند. البته حالا اینکه این اصل شده، عرفی شده یا استثناست، هنوز ارجع به آن اختلاف هست. ولی به هر حال به نظر می‌رسد که حتی اگر ما نتوانیم اعمال صلاحیت قضایی کنیم، امکان تحقیقات (حتی بدون حضور افراد) در ایران هم وجود دارد. بخش آخر هم جبران خسارت است. چون معمولاً وقتی صحبت از شکایت و دادخواهی و عدالت‌خواهی می‌شود، همه آخر خط را می‌روند. چند نکته‌ای هم راجع به بحث جبران خسارت در حقوق بین‌الملل اشاره کنم. یک مشکل اپیدمیک در ایران داریم: توقعات از حقوق بین‌الملل بسیار بالاتر است. بعضی وقت‌ها توقعات از دادگاه ملی هم بیشتر است. اتفاقاتی که امکان ندارد در یک صلاحیت ملی انجام شود را ما از حقوق بین‌الملل می‌خواهیم. ولی در باب جبران خسارت هم ما می‌بینیم که حقوق بین‌الملل رویکرد محتاطانه‌ای را دارد. تا همین اواخر، ما تعداد آرای جبران خسارت کمی‌را در باب مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها داشتیم.

اگر بخواهیم دسته‌بندی کنیم بحث خسارات در حقوق بین‌الملل را، می‌توانیم در قالب چند سبب طبقه‌بندی کنیم:

❖ در حقوق بین‌الملل، بحث ناشی از نقض توسل به زور مطرح است. دادگاه بین‌المللی خیلی محدود برخورد کردند. صرف صدور رضایت را در بسیاری از موارد به عنوان جبران خسارت قلمداد کردند. ولی در چند مورد محدود به صورت سمبولیک حتی در ارتباط با نقض به اصطلاح Jus in Bello با حقوق حاکم بر جنگ هم جبران خسارت کردند.

❖ خسارت وارده به دولت

❖ خسارت وارده به افراد خصوصی

❖ خسارت وارده به اموال

❖ یکی از خسارتی که من ندیدم در ایران راجع به آن صحبت شود بحث خسارت زیست‌محیطی است. بسیاری از حملات علیه اماکنی صورت گرفت که گفته شده بود اماکن و اهداف نظامی هستند، ولی در منابع طبیعی قرار گرفته بودند و خسارت‌های بسیار زیادی را داشتند.

❖ بحث خسارت معنوی و خسارت تنبیهی هم مطرح است. ما هم در حقوق بین‌الملل خسارت تنبیهی و خسارت معنوی نداریم. به همین خاطر اگر بخواهیم دنبال کنیم، به نظر می‌رسد که کماکان نظام جبران خسارت قانون ایران نسبت به حقوق بین‌الملل را رجحیت دارد.

یک آمار بدهم از همین دعوی آخری که کنگو علیه اوگاندا صادر شد. دعوی تقریباً مشابه همین است. اوگاندا حمله می‌کند، تعداد زیادی از شهروندان کنگو را قتل عام می‌کند. کنگو ۱۳ میلیون دلار ادعای خسارت کرده بود. ولی دیوان بعد از بررسی شک و تردید در دلیل و همه مسائل دیگر، فقط ۲۲۵ میلیون دلار حکم به خسارت داد. یعنی این را در نظر بگیریم که در حقوق بین‌الملل هم جبران خسارت بسیار سخت است و رویکرد محتاط‌تر است. من یک حساب کتاب می‌کردم: فقط در آن وضعیت که تعداد زیادی افراد کشته شده بودند، خسارت جانی برای هر فرد بین ۱۰ تا ۷ هزار دلار داده شده بود که حالا فکر می‌کنم از دیه‌ما بسیار پایین‌تر هم است.

صحبت‌هایم را با سه ملاحظه پایان بدهم:

- اول اینکه، ما به توجه به محدودیت‌هایی که در حقوق بین‌الملل هست، اعمال صلاحیت ملی را در اولویت قرار دهم.
- مستندسازی را هر چه سریع‌تر در اشکالی که می‌تواند مشروعیت و شناسایی بین‌المللی داشته باشد از از همین الان دنبالش باشیم.
- و در بحث اظهارات مقامات هم باید یک مقدار توجه ویژه‌ای داشته باشیم. چون بسیاری از موارد، این اظهارات خودشان می‌توانند دلیل باشند علیه پرونده‌های ما.
- یک اشتباه حقوقی هم معمولاً انجام می‌شود در ارتباط با این جنگ دوازده روزه که آن را هم می‌خواستم اینجا اشاره کنم: ما این تفکیک نظامی از غیرنظامی را به اشتباه در ایران انجام می‌دهیم. سردار سپاه، فرمانده ارتش و هر مقام نظامی که در زمان جنگ در یک محاصره مسلحانه مشارکت ندارد، شخص غیرنظامی حساب می‌شود. بنابراین تفکیک بین نظامی از غیرنظامی را ما احیاناً دیدیم که به اشتباه انجام می‌دهند. این تقسیری است که در حقیقت رژیم صهیونیستی دارد: افرادی که به نوعی از یک درجه‌ای از انتصاب می‌توانند به یک واقعه مسلحانه در جای دیگر (مثل لبنان، فلسطین یا هر جای دیگر) مرتبط باشند را رزمنده یا فرمانده نظامی قرار می‌دهند و آن را مخاطب هدف جنگی خودشان.

سیاستمداران



۸ میلیون نفر هم بیایند فایده ندارد

غلامحسین کرباسچی درباره تشکیل «اتاق وضعیت حجاب» به خبرآنلاین گفت: پشت تمام این موارد، همان کسانی هستند که بودجه برایشان در نظر گرفته می‌شود. اگر آقای پزشکشان شعار می‌دهد که ما می‌خواهیم موضوع بودجه را عملیاتی کنیم، باید برای این نهادهایی که مشخص است کارکردشان نهنتها در آن عملیاتی که در ذهنشان هست هیچ‌گونه آماری نمی‌توانند نشان دهند، بلکه عملکردشان برعکس آن چیزی است که باید باشد، فکری اساسی کند. نتیجه‌ی این کارها را می‌توان این‌گونه برداشت کرد که در نهایت، مردم از حجاب و دین بیزار می‌شوند. «کرباسچی درباره وعده‌هایی که رئیس‌جمهور داده بود نیز گفت: «آقای پزشکشان باید طبق وعده‌هایی که داده بود، بی‌دلیل بودجه‌ی ملت را به این نهادهای ندهند؛ چرا که اگر این افراد این بودجه‌ها را نداشته باشند، نمی‌توانند چنین موضوعاتی را عملی کنند و به تعبیری، این غائله تمام می‌شود.» وی اعتقاد مردم را مستحکم دانست و گفت: «اگر مردم اعتقاد داشته باشند و بخواهند باحجاب باشند، ۸۰ هزار تا که هیچ، ۸۰۰ هزار نیرو هم داشته باشند، نمی‌توانند مردم را بی حجاب کنند. در زمان رضاشاه هم چنین بود؛ با تمام قلدری و تمام نیروهایی که در خدمت داشت، نتوانست مردم را بی حجاب کند. اکنون نیز چنین است: اگر به حجاب اعتقاد داشته باشند و ما دین‌شان را از بین نبریم و آن‌ها را مجبور به کاری که نمی‌خواهند نکنیم، مطابق فرهنگ خودشان همه چیز را حفظ می‌کنند.» کرباسچی تأثیر ۸۰ هزار نیروو اتاق وضعیت حجاب را بی اثر دانست و گفت: «این موارد بارها تکرار شده است؛ اکثر مراجع در این باره سخن گفته‌اند. اکنون دوباره این افراد می‌خواهند ۸۰ هزار نیرو به خیابان بیاورند، در حالی که اگر ۸ میلیون نفر هم باشد، هیچ تأثیری نخواهد داشت.» او همچنین طرح موضوع اتاق وضعیت حجاب و ۸۰ هزار نیرو را به نوعی تخطی کردن از دستور شورای عالی امنیت ملی دانست. وی درباره بودجه‌ای که دولت به این نهادهای اختصاص می‌دهد بیان کرد: «تمام این موارد به بودجه‌ای که دولت به آن‌ها اختصاص می‌دهد مربوط می‌شود؛ زیرا وقتی به این نوع نهادهای بودجه‌ی بسیار زیادی تعلق می‌گیرد، آن‌ها می‌خواهند عملکردی از این دست از خود نشان دهند. زمانی که دولت هر روز می‌گوید ما بودجه نداریم یا کسری بودجه داریم، نباید به این نهادهای بودجه‌هایی میلیاردری اختصاص داده شود. اگر برای این نهادهای و این افراد بودجه‌ای در نظر گرفته نشود، آن‌ها نیز به دنبال شغل دیگری خواهند رفت. با بودجه‌ای که به این افراد داده می‌شود، می‌توان زخم‌های دیگری را ترمیم کرد. می‌توان این بودجه را به رفاه و اشتغال اختصاص داد، یا برای آن ۴۰ میلیون نفری که زیر خط فقر هستند کاری انجام داد. قطعاً تأثیر این کارها در دین‌داری مردم بسیار بیشتر خواهد بود.»

❖❖



اتاق وضعیت حجاب جز تشنج نتیجه‌ای ندارد

محسن غرویان، استاد حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با خبرآنلاین درباره اناتف وضعیت حجاب گفت: «سال‌هاست این بحث مطرح است و اتاق‌های این چنین زیاد تشکیل شده ولی در عمل نتیجه روشنی نداشته است. آقای رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس قوه مجریه می‌گوید که شرایط اجتماعی طوری است که نمی‌توانیم بر مردم فشار بیاوریم. مسئله حجاب هم همین‌طور است و نمی‌شود بر بانوان فشار آورد. به‌نظر دامن زدن، ادامه دادن و اصرار کردن بر موضوع حجاب جز ایجاد تشنج نتیجه دیگری نداشته و نخواهد داشت. «او همچنین گفت: «آن‌چه در حال حاضر ملاک است، مصوبه شورای امنیت ملی است که زیر نظر مقام معظم رهبری است. مسائل این چنین، مسائل حکومتی و سیاسی است. اما اگر مراجع دیگر نظر شرعی خاصی داشته باشند، در حال حاضر نمی‌شود به آن عمل کرد؛ چون در مسائل اجرایی کشور نظر مراکز تصمیم‌گیری قانونی ملاک است و شورای امنیت ملی مقام قانونی رسمی دارد.»